

قربانی تجاوز به عنف در فقه اسلامی؛ حمایت و غرامت

دکتر احمد بصیر بن ابراهیم^۱

مترجم: مهدی مظفری

چکیده

قربانیان تجاوز به عنف، متحمل دو نوع خسارت می‌شوند. آن‌ها علاوه بر تجربه‌ی یک تجاوز ناخواسته، که به آن‌ها از لحاظ جسمی و روانی صدمه می‌زند، می‌بایست تلاش کنند که با آن‌ها در یک چارچوب قانونی و به صورت منصفانه و محترمانه برخورد شود. در نظام فقه اسلامی، همواره یک موضوع بحث برانگیز در مورد پیگرد تجاوز به عنف وجود داشته است، به طوری که فرد قربانی تجاوز یا به واسطه‌ی اعتراف به زنا (رابطه جنسی نامشروع) محکوم می‌شود و یا به دلیل ناتوانی برای آوردن چهار شاهد مرد، به قذف (تهمت ناروا) محکوم می‌شود. این مقاله در صدد بررسی مسائل حمایتی و غرامتی است که در فقه اسلامی برای قربانی تجاوز به عنف در نظر گرفته شده است. این امر در برگزیده حقوق شرعی برای حمایت منصفانه، معافیت از مجازات و غرامت متناسب با جرم می‌باشد. این تحقیق به بررسی نظرات و استدلال‌های

۱. رئیس بخش فقه و اصول دانشگاه اسلامی مالزی.

فقه‌های گذشته از مکاتب فقهی مختلف مسلمانان می‌پردازد.

مقدمه

مجموع عمومی سازمان ملل در قطع نامه‌ی A/res.4./34 در ۲۹ نوامبر در سال ۱۹۸۵ از تمام کشورهای عضو درخواست کرد متعهد شوند که به صورت فعالانه مبانی «بیانیه‌ی اصول اساسی عدالت برای قربانیان جنایت و سوء استفاده از قدرت» را به اجرا گذارند.

این قانون که از اهمیت قضایی بالایی برخوردار است، رسماً توجه بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی را در رابطه با قربانیان به خود معطوف می‌دارد. در میان مطالب مهمی که در این بیانیه به آنها تأکید شده می‌توان به فراهم ساختن اسباب لازم برای دسترسی به عدالت، حق رفتار و برخورد محترمانه در محیطی قانونی، خسارت متناسب که بایستی توسط متجاوز پرداخت گردد و نیز تدارک دیدن یک طرح کارآمد جهت جبران خسارت توسط دولت اشاره کرد.

این مقاله در صدد بررسی حقوق اساسی مطرح در فقه اسلامی برای قربانیان تجاوز به عنف می‌باشد. این حقوق شامل حق دفاع از آبرو، قانونی بودن واکنش علیه تجاوز فیزیکی و مستثنی بودن از متهم کردن به زنا یا قذف در صورت طرح شکایت از مورد تجاوز قرار گرفتن (یعنی اتهام ناروا در مورد ارتکاب زنا بر علیه متجاوز) در حالی که دلیل کافی (مثل نبودن چهار شاهد عینی مرد) وجود نداشته باشد.

این مقاله همچنین به توضیح راهکارهای مناسب برای جبران خسارت، که توسط شریعت برای قربانیان تجاوز به عنف ارائه شده است، می‌پردازد.

حقوق حفاظت

در هر زمان عفت زنان، صرف نظر از دین آنها، باید مورد احترام و حمایت قرار بگیرد. تحت هیچ شرایطی نباید او را از لحاظ جسمی و اخلاقی، مورد آزار قرار داد. هر نوع رفتار بی بند و بار نسبت به

او صرف نظر از موقعیت زن، خواه او نسبت به این روابط تمایل دارد یا نه، ممنوع است.^۱ به علاوه زنا عملی است که به طور کلی برای جامعه مضر است. خداوند نسبت به مضر بودن این عمل به مسلمانان هشدار داده است و فرموده است که حتی به آن نزدیک نشوند. خداوند می‌فرماید: «هرگز به زنا نزدیک نشوید که به راستی عملی زشت و راهی ناپسند است (اسراء/آیه ۳۲)». بنابراین اگر زنا از نظر خداوند کردار شیطان است، حتی هنگامی که با رضایت طرفین صورت می‌پذیرد، بایستی تجاوز به عنف بدتر از زنا با توافق طرفین تلقی شود.

در قانون اسلامی ۵ رکن اصلی وجود دارد که باید در تمام زمانها حفظ و حمایت شود. این پنج مورد تحت عنوان مقاصد الشرعیه شناخته شده‌اند که شامل دین، زندگی، عقل، نسب و دارایی می‌شود. در هر حقیقت هر حکم قانونی در قانون اسلامی توسط خداوند تعیین شده است تا این پنج اصل اساسی را حفظ و حمایت نماید. علاوه بر این هر مسلمانی وظیفه درد از دین، زندگی، عقل، دارایی و اصل و نسب خود و دیگران دفاع کند. تجاوز به عنف فقط تجاوز به زندگی شخص نیست زیرا ممکن است علاوه بر مرگ یا صدمه جسمی فرد، ممکن است آبروی قربانی و شان خانواده اش را نیز زیر سوال ببرد. شریعت عکس العمل در برابر کسانی که مخل قوانین هستند را طبق آیات ذیل قانونی می‌کند:

و به درستی هر کسی که از شخص متجاوز انتقام بگیرد برای عملی که انجام داده است، هیچ راهی برای سرزنش کردن او وجود ندارد (شوری، آیه ۴۱).

هر کسی که نسبت به تو تجاوز کرد همانگونه حق تجاوز کردن نسبت به او وجود دارد (بقره، آیه ۱۹۴).

این آیات بیان می‌کند که بر ستم‌دیده روا است که به منظور دفاع از حق خود، بر ظالم غالب شود. واکنش او نسبت به خشونت قانونی است. مزاحم (متجاوز) به عنوان ظالم تلقی می‌شود و واکنش

۱. مودوی، ابوالعلی، حقوق بشر در اسلام، ص ۱۸، بنیاد اسلامی انگلستان، ۱۹۸۰.

علیه او دفاع از خود در برابر جرم محسوب می‌شود.

احادیث موثقی از پیامبر (ص) وجود دارد که این آیات را تایید می‌کند که در میان آنها احادیث زیر وجود دارد:

حدیثی از ابوسعید الخودری نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسانی از شما که گناه را می‌بینند باید آن را با دستهایشان تغییر دهند، اگر قادر نبودند، با زبان‌هایشان و اگر باز هم قادر نبودند با قلبشان و این (آخرین مورد) پایین‌ترین درجه ایمان است.^۱

حدیث نقل شده توسط ابوهریره: اگر شخصی بدون اجازه شما در حال جاسوسی کردن از خانه شما بود و شما او را با سنگی زدید حتی اگر به چشم او آسیب رسانید، گناهی مرتکب نشده اید.^۲

حدیث دیگری به روایت سعید ابن زید، می‌گوید: شخصی که در حال دفاع کردن از خانواده اش کشته می‌شود شهید است، شخصی که در حال حفاظت از دارایی اش کشته می‌شود شهید است، شخصی که در حال دفاع از زندگی اش کشته می‌شود شهید است و شخصی که در حال دفاع از دین کشته می‌شود، شهید است.^۳

این احادیث در کل نشان دهنده اهمیت منع از گناه می‌باشند و تجاوز به عنف یک عمل زشت است که شخص متجاوز را باید مجازات کرد. بر اساس این احادیث فقهای مسلمان به اتفاق آرا موافق هستند که هر فردی باید در برابر تجاوز جنسی مقاومت کند. قربانی تجاوز به عنف حتی مجاز به اقدام شدیدتر بر علیه متجاوز است به شرطی که چاره دیگری برای او باقی نمانده باشد. این بر اساس این دلیل است که رضایت به ارتباط جنسی غیر مشروع به شدت منع شده است. بنابراین عدم

۱. نقل شده از مسلم در صحیح، کتاب الامان، حدیث ۷۰.

۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، کتاب الدیه، ج ۱۵، ص ۲۶۷، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۷۹ هجری.

۳. نقل شده از نسائی در سنن، کتاب التحريم الدم، حدیث ۴۰۲۶؛ نقل شده از ترمذی در سنن، کتاب الدیات، حدیث ۱۳۴۱. وی این حدیث را تایید کرده و جزء احادیث صحیح دسته بندی کرده است؛ البانی، محمد ناصر الدین، آرا

الغلیل، شماره ۷۰۹، المکتبۃ الاسلامی، بیروت، ۱۳۹۹ هجری.

مقاومت به معنی اجازه دادن به انجام این عمل گناه است. این حکم بیان می‌کند که هر شخصی باید از متعلقات خود به خصوص همسر، دختران و خواهران خود، که نسبت به تجاوز جنسی آسیب پذیر هستند، محافظت کند.^۱

در رابطه با محافظت از اعضای خانواده در برابر تجاوز جنسی، مکتب حنبلی تاکید می‌کند که حفاظت کردن از آبروی فرد، از طریق مقاومت کردن در برابر تجاوز به همسرش واجب است چون این امر مشتمل بر حق وی و حق خداوند است.^۲

این عقیده توسط حدیثی که از المغیره نقل شده تایید می‌شود که در آن عبادہ گفته: اگر دریابم که مردی با زخم همبستر شده است، او را با شمشیر خواهم زد. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله این سخن را شنید، فرمود: آیا از غیرت سعد تعجب می‌کنید؟ من از او غیرتی‌تر و خداوند از من غیرتی‌تر است.^۳

مکتب شافعی مسئولیت متوقف ساختن تجاوز جنسی را، حتی اگر برای محافظت از یک زن اجنبی (زنانی که نسبت خونی یا نسبی ندارند) باشد، لازم می‌داند. علاوه بر این، این استدلال وجود دارد که آبروی افراد هیچگاه مباح نیست. بنابراین دفاع از آن واجب است.^۴

۱. اوده، ابوالقادر، التشریح الجنایی الاسلامی مقرن بی القانون الوحی، ج ۱، ص ۴۷۴، مؤسسه رسالت، بیروت، ۱۹۸۵.

۲. بهوتی، منصور ابن یونس ابن ادیس، کشاف الغنا، ویرایش هلال مصیلحی، ج ۶، ص ۱۰۲، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۲ هجری.

۳. بخاری، محمد ابن اسماعیل، الجامع الصحیح، ج ۸، ص ۲۱۰، المکتب السلفیه، قاهره، ۱۴۰۰ هجری.

۴. شیرازی، ابواسحاق ابراهیم ابن یوسف، المهدب فی فقه الامام الشافعی، ویرایش محمد الزهیلی، ج ۲، ص ۲۲۴، الدارالشامیه، بیروت، ۱۹۹۶؛ حتاب، محمد ابن عبدالرحمان المغربی، چاپ دوم، ج ۶، ص ۳۲۳، موهب الجلیل، دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۸ هجری؛ ابن عابدین، محمد امین ابن عمر، حاشیه رد المختار، ج ۶، ص ۴۵۴، دارالفکر، بیروت، ۱۳۸۷.

احتمال مسؤلیت در برابر وارد آوردن صدمات شدید و یا کشنده در هنگام دفاع کردن از خود

فقها به طور مبسوط درباره موضوع صدمه زدن یا کشتن متجاوزی که قصد آبروی کسی را کرده است، بحث کرده اند. اکثریت فقها بر این عقیده اتفاق نظر دارند که قصاص در مورد شخصی که سبب مرگ متجاوز شده است، هنگامی که در حال دفاع از زندگی خود بوده است به شرطی که راه فرار دیگری جز این وجود نداشته است، وجود ندارد.^۱ این مسئله بر مبنای آن است که متهم جرمی را مرتکب شده است که خونس را حلال کرده است و بنابراین دیگر از مصونیت برخوردار نیست.^۲

تجاوز به عنف خود در تعارض با حق خداوند است که تعلل در محکوم کردن آن جایز نیست، از سوی دیگر احتمال دارد که فرد متجاوز بتواند خود را از طریق یک محاکمه حقوقی از مجازات برهاند.^۳

این قدامه نقل کرده است که از امام احمد پرسیده شد در مورد زنی که مهاجمی به زور قصد تجاوز به عنف او را داشته و آن زن مقاومت کرده و سرانجام آن مرد را کشته است تا از خود دفاع کند چه باید کرد؟ امام احمد گفت: اگر که او قصد تجاوز به عنف زن را داشته و زن او را کشته است، آن زن بی گناه است.

۱. اوده، التشریح الجنایی الاسلامی، ج ۱، ص ۴۷۳.

۲. هیچ نوع تعهدی نسبت به عمل در برابر شخصی که حمایت نمی‌شود وجود ندارد و خونس دیگر منزه نیست خونس حلال است). محدودیت‌های دفاع شخصی نیز قانونی یقین شده‌اند. به طور کلی فقط در موارد حمله خطرناک (مثلاً حمله در شهر و روز در مقایسه با حمله در شب یا در خارج شهر) تعیین شده است. البته مسؤلیت بیشتری از طریق مجازات حد وجود ندارد. علاوه بر این اگر یک مرد همسرش را یا یکی از محارم خود را در حال ارتباط نامشروع مشاهده کند و او را بکشد هیچ قصاصی در پی ندارد. رجوع کنید به: اسکاج جوزف، ریشه‌های شریعت محمد، ص ۱۸۴، چاپ کلارندون، اکسفورد انگلستان، ۱۹۷۹.

۳. الخوراشی، ابوعبدالله محمد ابن عبدالله، حاشیه الخوراشی علی مختصر سیدخلیل، ج ۵، ص ۴، مطبعة الامیرات الشرفیه، قاهره، ۱۳۱۶ هجری؛ البهوتی، کشاف الغنا، ج ۵، ص ۶۰۷.

امام احمد حدیثی را از الزهری بیان کردند که از ابن عمر نقل شده است: مردی تعدادی از افراد قبیله هزیل را دعوت کرد و خواست خودش را بر زنی تحمیل نماید و زن برای دفاع از خود، او را با سنگ کشت. در این مورد خاص عمر دستور داد که زن مستحق دیه (پول خون) نیست. بنابراین ابن قدامه نتیجه گرفت که از آنجا که محافظت از اموال نسبت به تجاوز اجباری است، حفاظت از آبروی خود نیز قانونی است.^۱

ابوسعود یکی از مفتی‌های مشهور عثمانی، فتوایی را مبنی بر جنگیدن برای دفاع از خود را صادر کرد. کشتن به منظور جلوگیری از تجاوز جنسی یا به علت حفظ آبرو، جزء دسته‌ای از قتل‌ها هستند که ابوسعود به طور مشتاقانه آنرا معاف از دیه می‌داند.

از او یک سوال فرضی پرسیده شد: زید وارد خانه هند می‌شود و سعی می‌کند به اجبار با او ارتباط جنسی داشته باشد از آنجا که هند نمی‌تواند به هیچ طریقی او را دفع کند او را زده و با یک تبر زخمی می‌کند. اگر زید از این زخم بمیرد آیا هند مسئول است؟ او جواب داد: او (هند) جهاد مقدسی را انجام داده است.^۲

این به آن دلیل است که از طریق صدمه زدن و سرانجام کشتن او، زن از مرتکب شدن به زنا، که عملی بر علیه خداوند است، پرهیز نموده است.^۳

۱. ابن قدامه، موفق الدین ابومحمد عبدالله ابن محمد ال مقدسی، المغنی، ج ۱۰، ص ۳۵۲، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۵ هجری.

۲. ایمبر کالین، ابوسعود، سنت حقوقی اسلامی، ص ۲۵۰، چاپ دانشگاه ادینبورگ، ۱۹۷۷. ابوسعود بطور مشابه در بکاربردن همان اصول مشابه تجاوز به هم جنس سخت گیر است. او خاطر نشان می‌کند اگر یک مرد غضب تجاوز به مرد دیگر داشت و راه دیگری برای فرار باقی نمانده بود مرد می‌تواند مرد متجاوز را به قتل برساند. او این مورد را در حضور قاضی توجیه کرد اگر مردم دهکده یا شهر به درستکار بودن و راستگو بودن مرد مورد تجاوز قرار گرفته رای بدهند، آیا شهادت آنها مسموع است؟ ابوسعود توضیح می‌دهد که نیازی به شهادت نیست مادامی که زید فردی شرور است، عمر مصون است، شهادت آنها فقط موجب تقویت این امر می‌شود.

۳. همان

شروط پیش نیاز برای واکنش آسیب زنده بر علیه متجاوز

در قانون اسلامی، دفاع شرعی را که تحت شرایط خاص و معینی صورت پذیرد، از کیفر معاف می‌داند. فقهای اسلامی بر این نظر هستند که زور و اجبار متجاوز، طرف مقابل را از مسئولیت مبری می‌کند. این اصل قانونی یعنی، «ضرورت، امور حرام را مجاز می‌کند»^۱ بیان می‌کند که اگر در شرایط اضطراری، خشونت فیزیکی توسط دیگری بر فردی تحمیل شود، او مجاز به انجام عملی یا پرهیز از عملی هستند. فتوای فقهای اسلامی آن است که وی تحت شرایط ذیل از مسئولیت کیفری معاف است:

- ۱ - ماهیت تجاوز بر علیه ابروی شخص باشد، یعنی ماهیت جنسی داشته باشد و عمل متقابل به منظور حفاظت از خود یا شخص دیگر صورت گرفته باشد.
- ۲ - مدافع صرفاً بایستی مقدار معینی از نیرو استفاده کند که برای دفع تجاوز لازم است، بدون سوء استفاده یا افراط. اگر توسل به زور بیش از حد باشد، مدافع از نظر کیفری مسئول خواهد بود. ارزیابی میزان اعمال زور به عهده قاضی است که بر اساس شرایط مربوط به هر مورد، صورت می‌پذیرد.
- ۳ - عکس العمل بایستی بلافاصله در پاسخ به تجاوز صورت بگیرد یعنی هنگامی که در آن زمان حساس امکان اتکاء به حمایت مسئولین عمومی وجود نداشته باشد واکنش بایستی آخرین حربه باشد و راه دیگری به جز عکس العمل فیزیکی برای پرهیز از جرم وجود نداشته باشد. مدافع بایستی به طور منطقی بر این باور باشد که هر صدمه‌ای که وی وارد آورد جلوی صدمه بزرگتری را خواهد گرفت.
- ۴ - متجاوز بایستی در موقعیت ارتکاب تجاوز به عنف بوده و قادر به ارتکاب آن باشد. اگر مهاجم

۱. المجله، مقاله ۲۱، الضرورات تبيح المحذورات. برای توضیح بیشتر در مورد این اصل رجوع کنید به: زرقی، مصطفی این احمد، المدخل الفقه العام، چاپ ۶، ج ۲، ص ۹۹۵-۹۹۶، مطبعة ال جامعه، دمشق، ۱۹۵۹؛ الندوی، القواعد الفقهیه، ص ۳۰۸.

کودک باشد شرایط اضطراری به حساب نمی‌آید.

۵ - قربانی بایستی به طور منطقی بر این باور باشد که انجام یا پرهیز از اقدام برای مقابله با صدمه به آبرو یا حیثیت، مرگ قریب الوقوع یا صدمه فیزیکی جدی نیز می‌شود. این صدمات به عنوان پی آمدهای مستقیم عدم اقدام به واکنش در نظر گرفته می‌شود.

۶ - واکنش باید متناسب با خطر باشد به عبارت دیگر باید متناسب با همان میزان تجاوز باشد و در صورت لزوم از سلاح کشنده استفاده شود. بیشتر فقها استدلال نموده‌اند که در صورت تجاوز جنسی، قربانی این حق را دارد که به طور خشونت آمیز با متجاوز برخورد کند البته با توجه به دو اصل زیر:

الف - تهاجمی که معمولاً منجر به تجاوز جنسی می‌شود نیازمند واکنش سریع می‌باشد که می‌تواند با هر ابزاری صورت پذیرد و شامل صدمه کشنده به متجاوز می‌شود.

ب - جرم تجاوز جنسی نامشروع، یکی از جرائم بزرگ و در زمره حدود است که هیچ مسامحه‌ای در مورد آن صورت نمی‌گیرد و لازمه واکنشی سریع است.

با توجه به این عقاید، واکنش نسبت به مهاجم، صرف نظر از وضعیت تاهل وی که در مورد حکم زنا متفاوت است، مجاز می‌باشد. فقها عقیده دارند که در مقابل صدمه به آبرو اقدام به دفا از خود اجباری است. واجب است که برای دفا از خود یا نجات دیگران تحت چنین شرایطی عکس العمل نشان داد. شخصی که واکنش نشان می‌دهد از اجر الهی برخوردار خواهد شد و کسی که سرباز زند، گنه کار است!^۱

۱. البهوتی، کشاف الغنا، ج ۶، ص ۱۵۵؛ ابن قدامه، المغنی، ج ۱۰، ص ۳۵۲؛ الشیرازی، المهدب، ج ۲، ص ۲۲۴؛ الدسوقی، محمد ابن احمد، حاشیة الدسوقی علی الشرح الکبیر، ج ۴، ص ۲۳۹، دارالفکر، بیروت؛ ابن عابدین، حاشیة رد المختار، ج ۶، ص ۵۴۶.

معافیت از مجازات

قربانی زنا به عنف مستحق دسترسی به عدالت است و باید در محیط دادرسی با او با احترام کامل برخورد شود. مشکل از برخی از دادگاه‌های مدرن اسلامی ناشی می‌گردد مبنی بر اتخاذ یا عدم اتخاذ معیار استاندارد برای اثبات زنا. در پاکستان نظام دادرسی همان استاندارد اثبات مبنی بر شهادت چهار مرد شاهد را اتخاذ نموده است. در نتیجه صدور حکم بر علیه بسیاری از متهمان تجاوز به عنف به علت فقدان شاهد ممکن نیست.^۱ حتی بدتر اینکه گاهی اوقات دادگاه به این نتیجه رسیده است که ارتباط توافقی بوده و در نتیجه قربانیان تجاوز به عنف را محکوم به زنا نموده است.^۲ وضعیت در نیجریه شمالی که مکتب مالکی در آن حاکم است نیز به همین منوال است. در مکتب مالکی اعتقاد بر این است که صرف حاملگی به عنوان مدرک ارتکاب زنا کفایت می‌کند.^۳

۱. حکم جرم زنا (اعمال حدود)، ۱۹۷۹، بخش ۸ بیان می‌دارد که زنا یا زنا به جبر، توسط اعتراف متهم یا شهادت ۴ مرد بالغ ثابت می‌شود. برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به: وقارالحق، م. حقوق جزایی اسلام و احکام به همراه تفاسیر نوین، ص ۱۵۱، خانه کتب حقوقی ندیم، ۱۹۹۴.

۲. این به دلیل این تلقی است که تصدیق تجاوز به عنف تایید نزدیکی جنسی است؛ بنابراین، ختم پرونده به شکل تلویحی به معنای اعتراف به زنا است. در سال ۱۹۸۵ صفیه بی بی دختر خدمت کار خانگی شانزده ساله و تقریباً نابینا گزارش کرد که مکرراً توسط کارفرمای خود و پسرش مورد آزار جنسی قرار می‌گیرد و در نتیجه باردار شده است. هنگامی که او مرد را متهم به زنا به عنف کرد، ادعای او به علت نبودن مدرک رد شد زیرا تنها شاهد بر علیه آنها خود او بود. لیکن صفیه متاهل نبودن و باردار بودن، متهم به زنا شد؛ زیرا مدرکی نداشت تا ثابت کند بارداری اش به علت زنا به عنف بوده است. جلسه دادگاه در ساهیوال او را متهم به زنا کرد و او را محکوم به ۳ سال حبس، ۱۵ ضربه شلاق و جریمه ۱۰۰۰ روپیه کرد. رجوع کنید به اسماء جهانگیر و هینا جیلانی، احکام حدود، احکامی الهی؟، ص ۸۸، روتاس بوکس، لاهور، ۱۹۹۰.

۳. طبق دیدگاه مالکی، بارداری به عنوان مدرک لازم برای مرتکب شدن به زنا است. قسم مرد در مورد اینکه رابطه جنسی با زن نداشته است اغلب اوقات مدرکی کافی برای اثبات بی گناهی او است مگر اینکه چهار شاهد عینی معتبر و مستقل به ارتکاب به جرم وی شهادت دهند. در نیجریه صفیه حسینی در اولین دادگاه خود، به علت بارداری اش محکوم به مرگ شد. بنابر پرونده بارایا ابراهیم مگاسا و صفیه حسینی، باوواب برای حقوق زنان و دادگاه بین المللی در بخش شمالی نیجریه تاکید داشت که قانون شریعت همانطور که در ایالت شمالی نیجریه رایج است، از حقوق زنان در برابر تجاوز جنسی دفاع نکرده است و در عوض آنها را مجازات نموده است. در هر دو مورد دادگاه ادعای اجبار و اکراه را پیگیری نکرد. قربانیان زنا به عنف یا اجبار دارای

به علاوه مالکیان معتقدند که اگر یک زن ادعا نمود که به او تجاوز شده است، ادعای او پذیرفته نیست مگر نشانه‌ها و شواهدی برای اثبات ادعای او وجود داشته باشد. به عنوان مثال اگر او دچار خونریزی یا آسیب دیگری شده و یا لباسهایش پاره شد و صدای فریاد او را کسی شنیده است، اینها شواهد کافی برای ادعای او که به او تجاوز شده است، می‌باشد؛ اما اگر حاملگی اش مسجل شود و هیچ یک از موارد بالا وجود نداشته باشد، ادعای تجاوز به عنف او پذیرفته نخواهد بود.^۱ با این وجود، بر طبق فتوای اکثر فقهای مسلمان، حاملگی وی دلیل کافی برای متهم کردن او به زنا نیست. زیرا احتمالات زیادی وجود دارد که سبب بارداری او شده است. از جمله تجاوز به عنف، ارتباط جنسی از روی سهو، ادخال منی به بدن وی بدون نزدیکی جنسی و... بنابراین آنان استدلال کردند که او نباید برای زنا مجازات شود زیرا چنین کیفرهایی در صورتی که کمترین تردیدی وجود داشته باشد، قابل اجرا نیست.^۲

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: تا آنجایی که می‌توانید از مجازات مسلمانان جلوگیری کنید. اگر راهی برای خلاصی شخصی پیدا کردید به او اجازه بدهید برود. زیرا برای قاضی بهتر است در بخشش دچار اشتباه شود تا اینکه در مجازات دچار اشتباه شود.^۳

در هر صورت، هیچ اختلاف نظری در میان فقهای مسلمان وجود ندارد که در مورد زنانی که مورد تجاوز واقع شده اند، حدود وجود ندارد. نص صریح قرآن و احادیثی وجود دارد که ثابت می‌نماید

موقعیت‌های وخیمی بودند. آنها متهم به زنا شدند و اتهامی غلط به آنها داده شد که به طور وضوح حقوق زنان، عدالت و امنیت را زیر سوال می‌برد.

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: السدلان، صحیح. القرائن و دورها فی الاثبات الشریعة الاسلامیه، دار بالانسیه، ریاض، ۱۴۱۶ هجری.

۲. زارابوزو، جمال الدین م، تفسیر چهل حدیث نووی، ج ۳، ص ۱۱۸۰، شرکت چاپ و ترجمه البشیر، ایالات متحده امریکا.

۳. روایت شده توسط بخاری در صحیح، کتاب حدود، حدیث شماره ۱۳۴۴.

که زنا به عنف دارای مفاهیم متفاوت با زنا دارد خصوصاً در ارتباط با اثبات و صدور حکم^۱. به عنوان مثال عبدالجابر ابن وائل نقل می‌کند که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، به زنی تجاوز شد و پیامبر او را از مجازات عفو کرد. این زن هنگامی که برای نماز خارج شد، مردی به او حمله کرده و به او تجاوز نمود. او فریاد کشید و بیهوش شد. هنگامی که یک مرد برای کمک کردن به او آمد، او گفت آن مرد با من کذا و کذا نمود. هنگامی که عده‌ای از انصار سر رسیدند، آن زن گفت: آن مرد با من کذا و کذا نمود.. آنها رفتند و مردی را که به آن زن تجاوز کرده بود گرفتند و نزد زن آوردند و او گفت بله این مرد همان مردی است که به من تجاوز کرده است. سپس آنها مرد را نزد رسول خدا بردند. هنگامی که در حال محاکمه مرد بودند، مرد ایستاد و گفت ای رسول خدا من کسی هستم که او را بر خلاف میلش وادار به این کار کردم. پیامبر صلی الله علیه و آله به زن فرمود: برو زیرا خداوند تو را بخشیده است و در مورد مرد حکم سنگسار تا حد مرگ را صادر فرمود^۲.

بر اساس این حدیث به نظر می‌رسد فرایند اثبات تجاوز به عنف متفاوت از زنا است، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفته آن زن را به عنوان مدرک تجاوز به عنف حتی در غیاب چهار شاهد را پذیرفته است.

همچنین این حدیث تردیدی نسبت به معتبر بودن گواهی بانوان در موارد تجاوز به عنف باقی نمی‌گذارد اگر چه این امر در مورد حد که در آن گواهی چهار مرد عادل ضروری است، صدق نمی‌کند.

سوء تلقی و خلط تعمیم زنا به تجاوز به عنف بایستی از میان برداشته شود، زیرا فرایند اثبات و

۱. با توجه به شافعی، احمد و دیدگاهی دیگر که به ابو حنیفه نسبت داده می‌شود، هنگامی که نص موردی وجود دارد، قیاس اشتباه است. قیاس فقط هنگامی وجود دارد که حکم صریحی در منابع یافت نشود. از آنجا که قیاس در حضور نص در درجه اول نابه جا است، تعارض میان نص و قیاس قابل اعتنا نیست. رجوع کنید به ابوزهرة، محمد. اصول فقه، ص ۲۰۰، دارالفکر العربی، قاهره، ۱۹۹۸.

۲. بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۵۴؛ بیهقی، احمد ابن حسین ابن علی، سنن الکبری، ج ۸، ص ۲۳۵، دایرة المعارف النظامیه، حیدرآباد، ۱۳۵۵/۱۹۳۴.

صدور حکم در مورد آن‌ها از هم متفاوت است. فرض اینکه قربانی تجاوز به عنف بایستی چهار شاهد عینی برای اثبات آن ارائه نماید و این که عدم موفقیت در ارائه مستندات کافی بایستی به معنی اقرار به زنا یا قذف تلقی گردد، در تضاد با اصل وجود شاهد و عقل سلیم است، زیرا اقرار به معنی تصدیق تقصیر است در حالیکه ادعای تجاوز به عنف رد تقصیر است.

غرامت مالی ارتباط جنسی غیر شرعی جبری

ابن رشد بیان کرده است که محققین در موارد فراوان با اجرای کیفر حد در مورد کسی که به تجاوز به عنف کرده است، موافقت^۱ این بدان معنا است که فرد محکوم به تجاوز به عنف کیفری مطابق با کسی که زنا نموده است دریافت خواهد نمود که همانا سنگسار تا حد مرگ در مورد افراد متاهل (محصن) یا نواختن ۱۰۰ ضربه شلاق و تبعید برای افراد مجرد (غیر محصن) است.^۲ لیکن وی اشاره می‌کند که در مورد بخش دوم کیفر اتفاق نظر ندارند، یعنی اینکه آیا فرد محکوم به تجاوز به عنف مجبور به پرداخت مهریه علاوه بر محکومیت به کیفر حد است یا نه؟ این بدان دلیل است که آراء آنها فرق می‌کند در مورد اینکه آیا صداق (مهریه) وجه المثلی است برای نزدیکی کردن که هم در موارد قانونی بایستی پرداخت گردد و هم در موارد غیر قانونی. کسانی که معتقدند مهریه هدیه‌ای است که منحصرًا لازمه ازدواج است، نباید جهیزیه را در این مورد بر مجرم قرار بدهند.^۳

۱. ابن رشد، ابوالولید محمد ابن احمد، بدایة المجتهد، مترجم امران احسان خان نیازی، ج ۲، ص ۳۲۴، تفسیر: مرکز مشارکت مسلمانان در تمدن.

۲. احکام جرم زنا در پاکستان تعاریفی را برای عمل زنا و علاوه بر این مجازات‌هایی را برای آن ارائه داده است. بخش ۶ بند شماره ۳ مجازات شخص متجاوز را به شرح ذیل توضیح می‌دهد:

الف - اگر مرد یا زن محصنه باشد، باید در مکان عمومی سنگسار شود.

ب - اگر مرد یا زن محصنه نباشد، باید به روش‌های مختلف که یکی ۱۰۰ ضربه شلاق در مکان عمومی است و یا بنا به صلاحدید دادگاه و بنا به مقتضیات پرونده، میتوان حکم مرگ صادر نمود.

۳. ابن رشد، بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۵۳۰.

اکثریت فقها از جمله مالکی، شافعی حنبلی و لیث بن سعد بر مجازات کردن شخص زانی هم از طریق حد و هم صدق موافق هستند^۱. همین عقیده از علی ابن ابوطالب، ابن مسعود، سلیمان بن یاسر، ربیع و عطیه گزارش شده است^۲. امام مالک این حکم را تعمیم می‌دهد تا جایی که زن مجنون و زنی که در خواب و از خود بی خود بوده است را نیز در بر می‌گیرد. استدلال وی مبنی بر این واقعیت است که تجاوز به عنف مشمول حق الله و نیز حق افراد می‌گردد و بایستی به این دو امر به طور جداگانه پرداخت. هر دو مستحق بررسی جداگانه هستند، آنچنانکه حکم در مورد دزدی این گونه است^۳. فقهای مالکی هیچ فرقی میان قربانی باکره و قربانی غیر باکره در دریافت مهریه قائل نمی‌شوند^۴. این دسته بنا بر حدیث زیر از دیدگاه واجب بودن مهریه به علاوه جاری نمودن کیفر حد حمایت می‌کنند:

اگر زنی بدون اجازه ولی (پدرش) ازدواج کند، ازدواج او باطل است. اگر مرد با زن نزدیکی کرده او مسئول پرداخت مهریه به او است تا نزدیکی قانونی شود^۵. در حدیثی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله حکم فرمود که شوهر بایستی برای ازدواج باطلی که طی آن زن عده نگه نداشته مهریه پرداخت کند^۶.

۱. شافعی، محمد ابن ادريس، الام، ج ۳، ص ۲۳۰، دارالشعب، قاهره، ۱۳۲۱؛ مالک ابن انس، المدونه الكبرى، ج ۴، ص ۴۰۱، چاپ السعاده، قاهره، ۱۹۰۵؛ ابن مفلح، ابواسحاق برهان الدين ابراهيم ابن محمد، المبداه شرح المغنی، مولف محمد حسن اسماعيل الشافعی، ج ۹، ص ۷۲، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۷؛ ابن رشد، بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۳۲۴.

۲. مالک ابن انس، المدونه الكبرى، ج ۴، ص ۴۰۱، چاپ السعاده، قاهره، ۱۹۰۵؛ ابن فرتون، ابراهيم ابن علی، تبصره الحکام فی اصول العقلى و الاحکام، ج ۲، ص ۲۵۶، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۵؛ ابن جزى الكلبي، القوائین الفقهی، ویرایش محمد امین الدینافی، ص ۲۸۵، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۸.

۳. مالک ابن انس، همان.

۴. المغربی، محمد ابن عبدالرحمان، مواهب الجلیل، ویرایش دوم، ج ۳، ص ۵۱۸، دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۸ هجری.

۵. البانی، آراء القلیل، شماره ۱۹۹۴. این حدیث به عنوان حدیث معتبر تایید شده است.

۶. البانی، همان، شماره ۲۱۲۴. این حدیث به عنوان حدیث معتبر تایید شده است.

آنچه این حدیث نشان می‌دهد این است که شرعی کردن نزدیکی جنسی، خود مهمترین موضوعی است که مرد را مشمول پرداخت مهریه می‌سازد.^۱

از منظری دیگر، فقهای شافعی از نظریه تحمیل مهریه بر اساس قیاس حمایت می‌کنند که طی آن نزدیکی جنسی غیر شرعی، مانند تجاوز به عنف است که طی آن مرد ناگزیر به پرداخت مهر عادلانه در صورت نزدیکی کردن است. به همین منوال متجاوز به عنف به دلیل انجام نزدیکی، مسئولیت جبران مالی آن را به ذمه دارد.^۲ اگر مرد به واسطه صدمه زدن به پرده بکارت زن، باعث خونریزی شده باشد، شافعی علاوه بر مهر عادلانه، عرش (دیه) را نیز مقرر کرده است.

ابن قدامه با این نظر مخالف است؛ زیرا او بر این باور است که مهریه خود به طور همه جانبه جبران مافات می‌کند. طبق نظر او قربانی باکره باید نسبت به یک زن بیوه غرامت بیشتری به علت بکارتش دریافت کند. این مبلغ اضافی بخشی از آرش است.^۳ ابن قدامه معتقد است که اگر قربانی باردار شود و در هنگام وضع حمل از دنیا برود، مجرم بایستی دیه بپردازد؛ زیرا مرگ قربانی به دلیل خشونت مجرم بوده است.^۴

ابوحنفیه، ثوری و ابن شوبریمه معتقدند که متجاوز به عنف فقط مشمول حد می‌باشد؛ اما پرداخت مهریه به عهده او نیست. آنها استدلال می‌کنند که وقتی حق الله با حق الناس تلاقی نماید، حق الله مقدم است. همچنین آنها استدلال می‌کنند که صداق، اجرت المثل لذت جنسی نیست؛ بلکه هدف از آن به جای آوردن فرائض دینی است. بنابراین آنها بر این باور هستند که برای نزدیکی غیر شرعی، صداق تعلق نمی‌گیرد.^۵

۱. ابن قدامه، المغنی، ج ۷، ص ۲۰۹.

۲. الشیرازی، المهدب، ج ۲، ص ۶۲.

۳. ابن قدامه، المغنی، ج ۷، ص ۲۰۹.

۴. ابومحمد عبدالله ابن قدامه، زهیر الشاویش، الکافی فی الفقه ابن حنبل، ج ۴، ص ۶۱، المكتب الاسلامی، بیروت، ۱۹۹۸.

۵. ابن رشد، بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۳۲۴.

ابوحنفیه اصرار دارد که اگر یک مرد به زن آزاد تجاوز کند و زن به علت خشونت بمیرد، او علاوه بر اجرای حد، باید دیه نیز پرداخت کند.^۱ این سه فقیه استدلال خود را بر مبنای حدیثی از عبدالجبار ابن ولی قرار دادند که بیان می‌داشت جهزیه بر مرد تحمیل نشد.^۲ در واقع نسخه ثبت شده توسط ترمیزی و نسائی، به روشنی بیان می‌کند که هیچ گونه جریمه مالی (صداق) برای مرد در نظر گرفته نشده است.

ابن هزم نقل کرده است که پرونده‌ای از تجاوز جنسی به یک دختر باکره را نزد حسن ابن علی آوردند. در این پرونده دختر باکره‌ای در اثر اقدام زن دیگری که با انگشت به فرج او حمله ور شده بود، بکارت خود را از دست می‌دهد. این در حالی است که این دختر توسط دوستان دختر متجاوز نگه داشته شده بود. حسن حکم نمود که همگی آن‌ها بایستی مهریه را بپردازند. در این مورد تمام دختران باید غرامت کامل پرداخت نمایند.

در مورد دیگری ایاد ابن عبدالله یکی از قضات مصری، با عمر بن عبدالعزیز در مورد پسری مشورت می‌کند که با انگشت خود پرده بکارت دختری را پاره کرده بود. خلیفه از قاضی می‌خواهد که در مورد این پسر بر اساس اجتهاد تصمیم بگیرد. او حکم کرد که خانواده پسر ۵۰ دینار به این دختر بپردازند.^۳

برخلاف این دیدگاه، ابن هزم با تحمیل هر گونه مهر المثل در مورد پارگی پرده بکارت مخالفت می‌کند، زیرا ازدواجی صورت نگرفته است. او برای پشتوانه نظر خود به حدیث زیر استناد می‌کند: «بدرستی که اموال شما و زندگی تان حفاظت شده است». مهر فقط در ازدواج شرعی جایز است. هیچ مدرکی از قرآن، حدیث و اجماع وجود ندارد که بابت پاره شدن پرده بکارت چه توسط زن و چه

۱. الکاسانی، علاء الدین ابوالحسن علی ابن سلیمان، بدایع الصنایع، ویرایش دوم، ج ۷، ص ۶۱، دارالکتب العربی، بیروت،

۱۹۸۲؛ ابن عابدین، محمد امین ابن عمر، حاشیة رد المختار، ج ۴، ص ۳۰، دارالفکر، بیروت، ۱۹۸۷ هجری.

۲. بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۵۴؛ بیهقی، سنن المبری، ج ۸، ص ۲۳۵.

۳. ابن هزم، علی ابن احمد، المحلا بالاثار، ج ۸، ص ۴۷۶، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ هجری.

توسط مرد، کیفر مالی در نظر گرفته باشد. بنابراین او بر این عقیده است که این حکم بی اساس است؛ زیرا این فرمان خدا و رسولش نمی‌باشد.^۱

با این وجود استدلال ابن هزم قابل رد است؛ زیرا در نسخه‌های دیگر همین حدیث پیامبر فرموده است: آبروی شما و بدن شما^۲. از بین بردن پرده بکارت یک شخص به صورت غیر شرعی در واقع بی حرمتی به بدن انسان است که شخص خاطی را موظف به پرداخت غرامت می‌کند. همانگونه که پرداخت غرامت در موارد خون و دارایی اجباری است، در مورد حمله فیزیکی نیز اجباری است. در واقع تجاوز جنسی جرمی نفرت انگیز بر علیه بدن انسان است.^۳

جبران مالی بر اساس اصول قصاص

بر طبق قانون مجازات اسلامی، کیفر قتل و ایراد جراحت تحت اصل قصاص طبقه بندی می‌شود. بنابراین هرگاه شخصی باعث صدمه‌ی جسمی یا مرگ دیگری شود، شخص آسیب دیده یا خانواده متوفی حق قصاص دارند.

قصاص به سه نوع تقسیم می‌گردد: قتل (فی النفس)، آسیب یا زخمی کردن (دین النفس) که معمولاً با عبارت قواد یا عرش از آن یاد می‌شود و نوع سوم قتل کودک متولد نشده می‌باشد^۴. وجه منحصر به فرد این نظریه آن است که قربانی یا خانواده وی می‌توانند از بین گزینه‌های قصاص یا پذیرفتن دیه (خون بها) و یا صلح و بخشش یکی را انتخاب کنند. به عنوان مثال در مورد دیه، دیه کامل ارزشی معادل ۱۰۰ شتر یا چیز دیگری جایگزین آن است. دیه کامل فقط به دلیل قتل پرداخت نمی‌شود، بلکه در مورد صدمات وخیم به بدن نیز باید دیه پرداخت کرد. برای صلح، فرد مصدوم یا

۱. همان.

۲. بخاری، جامع الصحیح، حدیث شماره ۷۰۷۸.

۳. السعدی، عبدالملک عبدالرحمان، العلاقات الجنسیه غیر الشرعیه و عقوباتها فی شرایع و القانون، ویرایش اول، ص ۴۷۹، مطبع الارشاد، بغداد، ۱۹۷۵.

۴. الاوا، محمد س، کیفر در فقه اسلامی، ص ۷۱، انتشارات امریکن تراست، ایندیانا پلیس، ۱۹۸۲.

خانواده متوفی می‌توانند با مبلغی بیشتر یا کمتر از دیه با هم توافق نمایند. به این ترتیب با صلح امکان شفقت و بخشش وجود دارد.^۱

قربانیان تجاوز به عنف تحت حمایت و محق برخورداری از حقوق قانونی برای استفاده از قانون قصاص برای جراحات و صدمات هستند. هر فردی از مالکیت اجزاء بدن خویش برخوردار است، و همچنین فرد حق قصاص یا برخورداری از غرامت را در قبال هر گونه صدمه که به طور غیر قانونی به هر یک از اجزاء بدن او وارد آید، داراست.

از انس بن مالک در سنن روایت شده است که ربیعہ دختر نصر، دندان پیشین دختری را شکسته بود. خانواده ربیعہ از خانواده دختر تقاضای بخشش کردند اما آنها درخواستشان را رد کردند. سپس پیشنهاد جزای نقدی کردند اما والدین دختر این درخواست را نیز رد نمودند. آنها نزد حضرت محمد(ص) رفتند ولی والدین دختر همچنان به قصاص اصرار داشتند. بنابراین رسول خدا دستور دادند که قصاص به همان صورت انجام بپذیرد. سپس انس بن نصر گفت: ای رسول خدا آیا دندان پیشین ربیع خواهد شکست؟ قسم به خداوندی که شما را به درستی فرستاد، دندان پیشین وی نخواهد شکست. سپس رسول خدا فرمود: ای انس دستور پروردگار قصاص است. در این هنگام والدین دختر او را بخشیدند. پس پیامبر خدا فرمود: در میان بندگان خدا کسانی هست که اگر به خدا قسم یاد کنند، خداوند هم آنها را می‌بخشد.^۲

همه‌ی فقها بر این امر اتفاق نظر دارند که وقتی امکان قصاص وجود ندارد و یا وقتی که طرفین با توافق یکدیگر صلح کنند، دیه می‌تواند جایگزین قصاص شود.^۳

در رابطه با قانون دیه برای جراحات و صدمات، می‌توان به نامه پیامبر که به عمر ابن هزم که نماینده منصوب ایشان در یمن بود، اشاره کرد. در این نامه پیامبر (ص) مقدار دیه را به شرح زیر بیان

۱. دوی، عبدالرحمان ی، شارح: قانون اسلامی، ص ۲۲۱، ای. اس. نوردین، کوالامپور، ۱۹۸۴.

۲. نقل شده توسط بخاری در صحیح، کتاب صلح، شماره حدیث ۲۵۰۴.

۳. زهیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و العدالة، ج ۷، ص ۵۷۳۸، دارالفکر، دمشق، ۱۹۸۴.

می‌کند: خون بهای زندگی هر فرد ۱۰۰ شتر است. اگر بینی، چشم‌ها، زبان، لبها، آلت تناسلی، بیضه‌ها و ستون فقرات به طور کامل بریده شود خون بهای کامل باید پرداخت شود. برای هر پا نصف دیه بایستی پرداخت شود. برای جراحت سر یک سوم پول خون بها، برای به زور وارد کردن چیزی به بدن یک سوم خون بها، برای جراحت وارده به سر که قطعه‌ای از استخوان را ببرد ۱۵ شتر، برای هر انگشت دست و پا ۱۰ شتر، برای هر دندان ۵ شتر و برای جراحتی که استخوان را پدیدار نماید ۵ شتر باید پرداخت شود.^۱

از این رو صدمه به اندام جنسی، قربانی را مشمول دریافت جبران مالی مقتضی می‌نماید. اکثر فقها بر این نظرند که از کار افتادن اندام به مثابه از دست دادن آن است. برای مثال، از کار افتادن اندام تولید مثل مانند از دست دادن آن اندام است.^۲

اگر خسارت وارد شده به بدن شامل تمام اندام نباشد یا هنگامی که میزان عملکرد اندام قابل ارزیابی نیست، از یک فرمول خاص برای ارزیابی استفاده می‌کنند که حکومت العدل نامیده می‌شود.^۳ این مقدار پولی است که باید توسط قاضی و به کمک متخصصین تعیین شود و به قربانی پرداخت می‌گردد.^۴ این محاسبه برای تعیین در صد میزان از کار افتادگی استفاده می‌شود تا در صد اختلال در عملکرد نسبت به دیه کامل مشخص شود. زانی که مورد تجاوز به عنف قرار می‌گیرند، دچار صدمات

۱. نقل شده توسط نسایی در سنن، کتاب قسامه، شماره حدیث ۴۷۷۰.

۲. الکاسانی، بدایع الصنایع، ج ۷، ص ۳۱۱، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۹۸۲؛ الزیلاتی، فح الدین عثمان ابن علی، تبیین الحقایق، ویرایش احمد عز عنایه، ج ۶، ص ۱۳۱، المطبعة الامیریة، قاهره، ۱۳۱۹ هجری؛ الخوراشی، حاشیة الخوراشی علی المختصر سیدی الخلیل، ج ۸، ص ۳۵؛ المرادوی، علاء الدین ابوالحسن علی ابن سلیمان، الانصاف، محمد حامد الفاقی، ج ۱۰، ص ۸۸ - ۹۰، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت؛ الشیرازی، المهدب، ج ۲، ص ۲۰۷.

۳. ابن نجیم اشاره می‌کند به مجاز بودن استفاده از نظر متخصصین در رابطه با برخی از موارد که طبق نظر وی ۱۱ مورد را دربر می‌گیرد که در زمره آنها می‌توان اشاره کرد به مدرکی که یک متخصص در رابطه با میزان جریمه مالی ارائه می‌کند. رجوع کنید به ابن نجیم، زین العابدین ابن ابراهیم، الاتساح و النظائر علی مذهب ابوحنفیه النعمان، ص ۲۲۳، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۳.

۴. الزهیلی، وهبه، الافقه الاسلامی والعدالت، ج ۷، ص ۵۷۵۸.

روحي می‌شوند که فراتر از صدمات جسمی می‌باشد. آنها اغلب اوقات دچار صدمات روانی می‌شوند که از فردی به فرد دیگر متفاوت است؛ مانند ناپاک بودن دائمی، احساس آسیب پذیری شدید، عدم اطمینان به مردان، احساس شرم و حقارت، از دست دادن حریم و استقلال فردی. این افراد همچنین ممکن است دچار اختلالات روانی مربوط به شرایط تجاوز به عنف مثل ترس شدید، شوند.

علاوه بر این، آنها ممکن است برخی پیامدهای اجتماعی مانند مشکل در ازدواج کردن را تجربه کنند. در کنار قانون قصاص برای زخم‌ها و صدمات، آسیب‌های روحی - روانی و نیز پی آمدهای آنها بر اساس فعل الضر قابل محاسبه می‌باشد. آسیب‌ها به طور کلی بر اساس میزان صدمه‌ای که قربانی دچار آن شده است محاسبه می‌شود به شرطی که صدمات وارده نتیجه طبیعی عمل مجرمانه باشد.^۱ از همین منظر ماوردی بیان می‌کند که فرد مجرم مسئول جبران صدمات وارده به جوارح قربانی می‌باشد، حتی اگر بهبود یابند یا حتی اگر ارزش مجموع آنها چندین برابر خون بهای قتل باشد.^۲

بدین ترتیب میزان غرامت با توجه به شرایط صدمات و ماهیت جنایت متفاوت است. قاضی می‌تواند برای خسارت وارده دیه مقتضی را تعیین کند. اگر شخص مهاجم قادر به پرداخت دیه نباشد، در درجه اول خانواده شخص برای پرداخت دیه فراخوانده می‌شود. اگر خانواده او توان پرداخت دیه را نداشته باشد، اقوام یا قبیله او عهده دار پرداخت می‌شوند. این مسئله به عنوان چالشی بزرگ برای خانواده و جامعه برای القاء نظم در میان مردم اعمال می‌شود. حتی در صورت مرگ متجاوز، دین به

۱. طبق قوانین خسارت امارت متحده عربی، هر قربانی می‌تواند ادعای خسارت اخلاقی کند که این امر می‌تواند شامل نقض آزادی شخصی، آبرو، حیثیت و موقعیت اجتماعی یا مالی او شود. اگر مدرک قانونی داشته باشند قربانی یا وارثان او می‌توانند ادعای غرامت اضافی کنند. این ادعاها می‌تواند به طور مثال شامل از دست دادن درآمد در زمان آینده، آسیب‌های روحی و یا هرگونه خسارت دیگری شوند که ورثه مستقیماً در نتیجه عملکرد نادرست یا مرگ فرد مرحوم دچار آن شده باشند. بنابراین جبران خسارت محدود به دیه نمی‌باشد. www.tamimi.com/publications

۲. ماوردی، ابوالحسن علی ابن محمد ابن حبیب البصری البغدادی، الاحکام السلطانیة (احکام حکومتی)، مترجم وفاه وهبه، ص ۲۵۵، قرائت: مرکز مشارکت مسلمانان در تمدن، ۱۹۹۶.

ذمه وارثان او منتقل می‌شود.^۱

در صورتی که صدمه توسط بیش از یک نفر مانند تجاوز به عنف گروهی صورت پذیرد، هر یک از افراد به اندازه صدمه‌ای که وارد آورده، مسئولیت خواهد داشت.

نتیجه

قربانیان تجاوز به عنف مستحق برخورداری از حمایت قانونی و همچنین محاکمه‌ای منصفانه هستند. بر طبق شرع اسلام هر شخصی این حق قانونی را دارد که از خودش دفاع کند و از خشونت فیزیکی در امان باشد. هر شخصی که برای حفظ آبروی خود، خانواده و یا دیگران در مقابل تجاوز جنسی واکنش نشان می‌دهد از لحاظ کیفری مسئول نمی‌باشد. تجاوز به عنف جرمی علیه حیثیت و آبروی شخصی است و باید در مقابل آن مقاومت نمود و به هر وسیله‌ای از آن جلوگیری کرد. مبحث فوق نشان می‌دهد که با قربانی تجاوز به عنف نباید مانند شخصی که زنا کرده است رفتار نمود زیرا ادعای او مبنی بر مورد تجاوز قرار گرفتن به معنای پذیرش ارتکاب زنا نمی‌باشد و علاوه بر آن نباید به خاطر قذف مجازات شود زیرا این حق او و حق تمامی بشریت است که مطمئن شوند عدالت در مورد این متجاوز بزدل و خطرناک که ممکن است همین جنایت غیر انسانی را دوباره تکرار کند، اجرا شود. در واقع تجاوز به عنف از لحاظ قربانی گرفتن، غصب و فقدان رضایت مشتاقانه‌ی طرفینی با زنا فرق دارد.

این مقاله همچنین پیشنهاد می‌کند که قربانی تجاوز به عنف مشمول جریمه‌های مالی قانونی، طبق قاعده دیه قرار بگیرد و به این ترتیب باید تمام خسارات محاسبه شوند که این خسارات تنها شامل معالجات پزشکی نمی‌باشد بلکه صدمات روحی و دیگر رنج‌های تحمل ناپذیری که قربانی

۱. وراث یا عاقله، مسئول پرداخت دیات برای قربانی خویشاوندان ذکوری هستند که حق ارث بردن از قاتل را به طریق سببی دارند و یا ولی (صاحب برده) می‌باشند. عاقله یک فرد در واقع خویشاوندان خونی او هستند. رجوع کنید به الشربینی، محمد ابن احمد الخطیب، مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۹۵، دارالفکر، بیروت.

متحمل می‌شود نیز باید محاسبه گردد.
هیئت قانون گذار اسلامی در دوره حاضر و نیز دولت، باید تحت لوای شریعت، یک شکل کارآمد از محاسبه خسارت برای پرداخت غرامت به قربانی طرح ریزی کند.

منابع و مأخذ

۱. ابن جزى الكلبي، القوانين الفقيهيه، ويرایش محمد امين الديناوى، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۹۹۸.
۲. ابن رشد ابوالوليد محمد ابن احمد، بداية المجتهد، مترجم امران احسان خان نيازی، قرائت: مركز مشاركت مسلمانان در تمدن، ۱۹۹۶.
۳. ابن عابدين، محمد امين ابن عمر، حاشيه رد المختار، بيروت دارالفكر، ۱۳۸۷ هجرى.
۴. ابن فرهون، ابراهيم ابن على، تبصر الحكام فى اصول العقليه و الاحكام، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۹۹۸.
۵. ابن قدامه، موفق الدين ابومحمد عبدالله ابن احمد ابن محمد المقديسى، المغنى، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۵ هجرى.
۶. ابن مفلح، ابواسحاق برهان لدين ابراهيم ابن محمد، المبدء شرح المغنى، مؤلف محمد حسن اسماعيل الشافعى، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۹۹۷.
۷. ابن نجيم، زين العابدين ابن ابراهيم، الاشباح و النظائر على مذهب ابوحنيفه النعمان، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۹۹۳.
۸. ابن هزم، على ابن احمد، المحلا بالاثار، بيروت دارالكتب العلميه، ۱۴۰۸ هجرى.
۹. ابوزهر، محمد، اصول الفقه، قاهره، دارالفكر العربى، ۱۹۹۸ صفحهى ۲۰۰.
۱۰. ابومحمد، عبدالله بن قدامه، زهير الشاويس، الكافى فى الفقه ابن حنبل، بيروت، المكتب الاسلامى، ۱۹۸۸.
۱۱. اسكاچ، جوزف، ريشه‌هاى اجتهاد، محمد اكسفورد، انگلستان، چاپ كلارندون، ۱۹۷۹.

۱۲. اسما جهانگیر و هیلا جیلانی، احکام حدود؛ احکام الهی؛ لاهور، رتاس بوکس، ۱۹۹۰.
۱۳. الالبانی، محمد ناصر الدین، اراء القلیل، بیروت، مکتب الاسلامی، ۱۳۹۹ هجری.
۱۴. الاوا، محمد س. کیف در فقه اسلامی. ایندیانا پلیس: انتشارات امریکن تراست، ۱۹۸۲.
۱۵. ایمبر، کالین، ابوالسعود، سنت قانونی اسلام، ادینبورگ، چاپ دانشگاه ادینبورگ، ۱۹۹۷.
۱۶. البخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، قاهره، المکتبات السلفیه، ۱۴۰۰ هجری.
۱۷. البهوتی، منصور ابن یونس ابن ادريس، کشف الغناء، ویرایش هلال مسیلاحي، بیروت دارالفکر ۱۴۱۲ هجری.
۱۸. البیهقی، احمد بن الحسین ابن العلی، السنن الکبری، حیدر آباد، دائرة المعارف النظامیه العثمانیه، ۱۳۵۵/۱۹۳۴ هجری.
۱۹. الحتاب، محمد ابن عبدالرحمن المغربی، مواهب الجلیل، ویرایش دوم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۲.
۲۰. الخوراشی، ابوعبدالله محمد ابن عبدالله، حاشیه الخوراشی علی المختصر سیدی الخلیل، قاهره مطبع الامیرات الشریفیه، ۱۳۱۶ هجری.
۲۱. الدسوقی، محمد بن احمد، حاشیه الدسوقی علی الشارع الکبیر، بیروت دارالکفر.
۲۲. دوی، عبدالرحمن ی، شارح: قانون اسلامی، کوالالامپور: ا.س. نوردین، ۱۹۸۴.
۲۳. زارابوزو، جمال الدین م تفسیر چهل حدیث النوای، ایالات متحده آمریکا، شرکت چاپ و ترجمه البشیر.
۲۴. الزرقا، مصطفی ابن احمد المدخل الفقه العام، ویرایش ششم، دمشق، مطبعه الجامعه، ۱۹۵۹.
۲۵. الزهیلی، وهاب، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق: دارالفکر، ۱۹۸۴.
۲۶. الزيلائی، فخر الدین عثمان ابن علی، تبیین الحقایق، ویرایش احمد عزّ عنایه، قاهره، مطبعه الامیریّه، ۱۳۱۵ هجری.
۲۷. السعدی، عبدالمالک عبدالرحمن، العلاقات الجنسیه غیر الشرعیه و عقوباتها فی شرایع و

- القانون، بغداد: مطبع الارشاد، ۱۹۷۵.
۲۸. الشافعی محمد بن ادريس، الامّ، قاهره، دارالشعب، ۱۳۲۱ هجرى.
۲۹. الشربينى، محمد بن احمد الخطيب، معنى المحتاج، بيروت، دارالفكر.
۳۰. الشيرازى ابو اسحاق ابراهيم ابن يوسف، المهذب فى فقه الامام الشافعى، ويرایش محمد الزهيلي، بيروت، الدار الشاميه، ۱۹۹۶.
۳۱. العسقلانى ابن حجر، احمد ابن على، فتح البارى، بيروت، دارالمعرفه، ۱۳۷۹ هجرى.
۳۲. عوده، عبدالقادر، التشريع الجنائى الاسلامى مقرن بالقانون الوحى، بيروت، موسسه الرساله، ۱۹۸۵.
۳۳. الكاسانى، علاء الدين ابوالحسن على ابن سليمان، بدايع الصنايع، ويرایش دوم، دارالكتب العربى، بيروت، ۱۹۸۲.
۳۴. مالك ابن انس، المدون الكبرى، قاهره، چاپ السعاده، ۱۹۰۵.
۳۵. الماوردى، ابوالحسن على ابن محمد ابن حبيب البصرى البغدادى، الاحكام السلطانيه (احكام حكومتى)، مترجم وفا ه وها، ۱۹۹۶.
۳۶. المرادوى، علاء الدين الحسن على ابن سليمان، الانصاف، مؤلف محمد حامد الفاقى، بيروت: دارالاحياء التراث العربى.
۳۷. المغربى محمد بن عبدالرحمن، مواهب الجليل، بيروت، دارالفكر، ۱۳۹۸، هجرى.
۳۸. مودودى، ابوالعلى، حقوق بشر در اسلام، انگلستان، موسسه اسلامى، ۱۹۸۰.
۳۹. وقار الحق، م. قانون جنائى اسلام، قوانين و احكام حدود همراه با تفاسير مدرن، لاهور: خانه‌ى كتب حقوقى نادم، ۱۹۹۴.